

دکتر مینوورزگر

گروه زبان و ادبیات انگلیسی

خواندن و تفکر

خواندن را در زمانهای پیش یک مرحله ساده میدانستند ، حال آنکه امروزه متخصصان خواندن ، معلمان خواندن ، روانشناسان زبان و زبان‌شناسان همه برای این عقیده هستند که خواندن یک مرحله فکری پیچیده است . تفکر یک فعالیت نهانی و ذهنی است و اثر آن موقعی مشهود میگردد که اعمال آشکاری پدید آید . کلاسمیرا Klausmeier و گودوین Goodwin میگویند تفکر یک فعالیت ذهنی است که لازمه هر نوع یادگیری است .

با وجود سادگی ظاهری ، تفکر به اندازه خود عمل یادگیری پیچیده است . در ارتباط خواندن با تفکر بیشتر در سطح جمله و پاراگراف بحث میشود ، یعنی مراحل ذهنی در خواندن و استنتاج از جملات و متون پدید میآید .

باید بخاطر داشت که معنی متن از معنی لغات و ساختمان دستوری آن متأثر میگردد . خواننده باید در حدی از مهارت زبانی باشد که بتواند نمادهای لغوی و ارتباط دستوری بین جملات را درک و از آنها معنی مطلوب را استخراج نماید . در عین حال درک نمادهای لغوی و ارتباط دستوری را به تنهایی ، خواندن نمیتوان بشمار آورد زیرا خواندن دارای مراحل پیچیده‌تر و غامض‌تری میباشد که تفکر ، اصل اساسی آنست .

پرات^۲ Pratt معتقد است که تفکر را قدرت آمیختن ، مقدم و موخر کردن ، افزودن ، تقلیل دادن اندیشه‌ها و تصورات مشخص میسازد . بدین معنی که چه انسان مراحل تفکر را برای تعبیر و تفسیر وجه برای بیان و تجلی افکار بکاربرد ، اندیشه‌ها

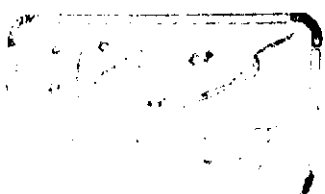
را بایکدیگر تلفیق نموده و به آنها سازمانی میدهد تا برای او معنی دار شوند، سپس این تصورات را با معلومات خود میآراید و دوباره آن اندیشه‌های گسترده شده و بسط یافته را درهم میآمیزد تا بصورت مطالبی که حاکی از میزان فهم او از موضوع است درآیند.

در ارتباط با خواندن باید در نظر داشت که خواننده اندیشه‌هایی را که در نوشته نویسنده مستتر میباشند درک مینماید و از درهم آمیختن تجربیات خود با فعل و انفعالات فکری، بصیرت پیدا میکند و با استخراج مفهوم بیان نویسنده و تجربیات او مفاهیم کلی بدست میآورد. مرحله تفکر را میتوان بصورت تسلسل ادراک به بصیرت و مفاهیم دانست.

در خواندن، خواننده فقط کلمات را تشخیص نمیدهد و معانی را با آنها مربوط نمی‌سازد بلکه متناسب با هدفی که در ذهن دارد درباره مطالب خواندنی میانندیشد و به معانی مختلف آنها فکر می‌نماید. تفکر اساس و پایه خواندن است و بدون تفکر خواندن یک مرحله غیر فعالانه مکانیکی و خود بخود میشود.

باید مراحل بنیادی تفکر در خواندن را مطالعه نمود. خواندن و تفکر بقدری با یکدیگر در ارتباط نزدیک میباشند که گاهی از خواندن بعنوان مرحله «خواندن-فکر کردن» که شامل مشخص کردن هدف، استدلال در حین خواندن و ارزشیابی است میتوان نام برد.

در مرحله اولیه خواندن کودکان بطور کلی گیج میشوند و به از بر کردن لغات میپردازند و خواندن برای آنها تفکر به همراه ندارد. وقتی کودکان در سن شش یا هفت سالگی بمدرسه می‌آیند قبلاً دستور زبان مادری خود را بطریق عملی و طبیعی فرا گرفته‌اند. آنان کلمات را در جمله درست بکار می‌برند، نهاد و گزاره را در جای صحیح استعمال می‌نمایند و در سخن گفتن در جاهای درست و مناسب مکث مینمایند؛ ولی مرحله تبدیل صوت به نماد نوشتاری برای آنان مشکلاتی ایجاد مینماید که تفکر را بطور کلی متزلزل می‌سازد و اصولاً فرصتی برای تفکر باقی نمی‌ماند زیرا در مرحله



نخستین خواندن که تشخیص کلمات است دچار دشواری میشوند. بعضی از معلمان بر این اعتقاد هستند که کودکان شش ساله اساساً نمیتوانند خواندن متفکرانه داشته باشند و حتی نمیشود آنها را تربیت نمود تا بتوانند در خواندن تجزیه و تحلیل نمایند و بادید انتقادی و تحلیلی بخوانند، افراد دیگری اعتقاد دارند که خواندن متفکرانه را فقط باید در سطح دانشگاه که خواننده‌ها آمادگی تفکر معقولا نه متکی بر استدلال، تجزیه و تحلیل و انتقاد را دارند ایجاد نمود. اما استوفر^۲ Stauffer عقیده دارد که این نظریه بسیار غیر منطقی است و در سنین کودکی میتوان این مهارت را در کودکان بتدریج بوجود آورد و در سالهای بعد آنرا تقویت نمود.

باید مراحل بنیادی تفکر در کودکان ایجاد شود. اسمیت^۳ Smith میگوید:

- (۱) خواننده باید مفهوم کاملی از موضوع داشته باشد تا بتواند به نمادها معنی بدهد.
- (۲) خواننده باید توانایی و قدرت بکار بردن مراحل عالیه فکری را دارا باشد تا بتواند آن مراحل را با متون و هدفهای مختلف خواندن منطبق سازد.
- (۳) خواننده باید به زبان تسلط بسیار داشته باشد تا بتواند معانی مختلف زبانی مجازی، استعاری متون را درک نماید.

خواننده‌ای که خواندن را با تفکر همراه می‌سازد مطالب متن را مورد پرسش قرار میدهد، استدلال مینماید، مقایسه میکند، استنباط و تفسیر میکند، تعمیم میدهد و نتیجه‌گیری مینماید در حالیکه شخصی که تفکر را لازمه خواندن نمیداند هر مطلبی که در قالب نوشته باو ارائه گردد بدون اینکه درصدد اقامه دلیل و برهان و پرسش باشد قبول مینماید.

مراحل فکری، اساسی‌ترین مراحل خواندن میباشد. جانسون^۵ Johnson اعتقاد دارد که توانایی‌های بیشمار فکری در خواندن مطرح است؛ این توانایی‌ها شامل (۱) درک ارتباط بین کلمات، جملات و عقاید (۲) ارزشیابی مطالب نویسنده (۳) استنباط مطالب و (۴) بسط مطالب و تطبیق خواندن با هدف مورد نظر میباشد. آرتلی^۶ Artley در مطالعه درباره توانایی‌های بخصوصی که به خواندن و درک مفهوم متن کمک مینماید توانایی تعبیر و تفسیر، دریافت حقایق و سازمان دادن

بافکار را حائز اهمیت میدانند. یانگ^۶ Young میگوید: مهمترین عامل در خواندن فکر کردن است نه مراحل حرکتی یا مکانیکی چشم، حوزه دید، لب خوانی و نظایر آنها.

در خواندن از دریافت محرك نوشتاری تا بازده پاسخ فکری هر فرد، چه به صورت گفتار و چه به صورت نوشتار با عمل، مراحل مختلف فکری بوجود میآید. این بازده امکان دارد بشکل يك نقش یا تصویر ذهنی که در اثر خواندن متن پدید آمده است، يك پاسخ بسؤال، يك خلاصه نوشته شده، يك تصویر یا تشبیهی از يك شخصیت داستان یا يك صحنه داستان و یا يك پاسخ حرکتی به يك دستورالعمل پدیدار گردد. نخستین مرحله خواندن را كركهام^۸ Kirkham درك بصری میخواند زیرا مرحله ایست که يك نقش بصری در ذهن بجای میگذارد. وقتی آثار حسی، بصری یا شنوایی به کورتکس مغزی میرسند، آنها با آثاری که برای ایجاد معنی که قبلاً بر روی سیستم عصبی مرکزی بجای گذارده اند بیکدیگر ملحق میگردند، فقط در چنین موقعی است که کلمات درك میشوند.

دومین مرحله خواندن ادراك است که مرحله پیچیده ایست و میتوان آنرا فراگرفت. این مرحله متأثر از توجه، تجربیات گذشته، احتیاجات و انتظارات افراد است. رابینسون^۹ Robinson در زمینه ادراك سه نوع خواننده تشخیص داده است: (۱) کسانی که يك کلمه را بصورت کامل می بینند یعنی کسانی که خواننده های بهتری هستند (۲) کسانی که جزئیات کلمات را درك میکنند و تمایل به درك جزئیات بی اهمیت دارند. یعنی کسانی که خواننده های بدی هستند، و بالاخره (۳) کسانی که در روی حروف کلمات تکیه میکنند. تحقیقات تکمستسکوپي نشان داده است که وقت لازم برای درك کلمات و حروف بیک اندازه است.

سومین مرحله خواندن تفکر است و تفکر را استرنگ^{۱۰} Strang مرحله ای میدانند که بوسیله آن انسان يك ادراك را دریافت جامعی جای میدهد. بوسیله تفکر میتوان عناصر مشاهده شده را بیک گروه اشیاء یا حوادث ارتباط داد. کلمه به خودی

خود دارای معنی خاصی نمیباشد ولی همینکه تجربیات جدید بمغز انسان راه می یابند دارای معانی مختلف می گردد. این اولین مرحله تفکر انتزاعی است و اساس «عمومیت و تعمیم» است. بین تفکر و ادراک ارتباط مستقیم وجود دارد. مغز انسان افکار و اندیشه هائی که به آن روی می آورند غربال نموده و فقط برخی از آنها را می پذیرد و بقیه را مردود می نماید. بنابراین انسان از پذیرفتن ادراکات متفاوت و دور از هم خود داری مینماید. ویژگی های ناشی از ادراک درهم می آمیزند و به صورت مفاهیم کلی در می آیند و این مفاهیم به تعبیر و تفسیر و سازمان ادراک کمک مینمایند. همبستگی مثبتی بین توانائی ذهنی و کارائی مهارت خواندن وجود دارد. کودکانی که در کلاسهای بالای دبستان در خواندن ناموفق هستند بطور یقین در توانائی شکل فکری نیز نقایصی دارند.

استرنک در تحقیقات خود باین نتیجه رسیده است که مراحل اولیه خواندن شامل ادراک حسی، ادراک و تفکر می باشد. در سطوح بالاتر ارتباط، الگوها، اشکال و مدارهائی وجود دارند. وقتی همه این الگوها، اشکال و مدارها در عین حال بفعالیت درآیند مشخص تر و بهتر منظم می شوند. بنابراین «ادراک کننده کل» بر «ادراک کننده اجزاء گوناگون مطلب خواندنی» برتری پیدا مینماید. کلمه خوان هر ارتباطی را در انزوا انجام می دهد حال آنکه میتواند ارتباطهای بیشماری در میان الگوهای حافظهئی برقرار سازد.

اشپاخ^۱ Spache بهترین مدل نظری مراحل فکری خواندن را ارائه داده است. این مراحل از این قرارند:

- ۱ - شناخت - شناسائی اطلاعات
- ۲ - حافظه - حفظ اطلاعات
- ۳ - محصول منشعب فکری - عقاید منطقی و خلاقه
- ۴ - محصول همگرای فکری - نتیجه گیری و تفکر قیاسی و استنتاجی
- ۵ - ارزشیابی - تفکر انتقادی

کلنند^{۱۲} Cleland مراحل فکری خواندن را چنین توجیه می‌نماید :

۱ - ادراك :

خواننده باید بطور وضوح نمادهای نوشتاری را که حروف و کلمات می‌باشند بشناسد . این کلمات معنی خود بخودی ندارند ، بنابراین ادراك به ماوراءاطلاعات حسی برمیگردد .

اصل اساسی در ادراك ایجاد پاسخ معنی دار است نه شناخت ساده و مطلق . ادراك انواع مختلف دارد مانند ادراك کلمه ، عبارت ، جمله ، پاراگراف و متون . مانند داستان ، مقاله و غیره .

۲ - درك :

خواندن، دوباره‌سازی وقایع در قالب نمادها است . درك، اشاره به فرآیند ارتباط دادن بین مطالب خوانده شده جدید و تجربیات شخصی گذشته است . خواننده بقدر کافی معنی در ذهن دارد تا بتواند تجربه‌ای را که نویسنده سعی دارد با او انتقال دهد درك نماید . بنابراین نویسنده و خواننده باید تجارب مشترکی داشته باشند تا بتوانند یکدیگر را درك نمایند .

۳ - تجرید :

تجرید اشاره به فرآیندی می‌نماید که از طریق آن خواننده برخی از ادراکات را حذف نموده و واقعیات مفهومی را که با هدف خواندن ارتباط داشته باشد انتخاب می‌نماید .

۴ - ارزشیابی :

ارزشیابی، مرحله تخمین ارزشها و روائی مطالب فکری بر حسب تورمها و استناداردهایا فرآیندها می‌باشد . این مرحله یکی از حساسترین و بغرنج‌ترین مراحل

است. واقعیت ادراکات، مفاهیم، تصاویر و خاطرات را نباید بیش از حد تخمین زد. این مرحله از ارزشیابی، معین کردن واقعیت یک مفهوم تا مرحله دشوار و پیچیده شکل مفاهیم واضح و دقیق را دربردارد. این مرحله امکان دارد به سطوح عالی تفکر مانند تفکر خلاقه که در آن سازندگی وجود دارد اطلاق گردد.

۵ - تصور:

در این مرحله در اثر فعل و انفعالات فوق، خواننده مطالب استنتاج شده را بعنوان مطالبی برای استدلال در فرمهای مختلف تفکر که در زیر ذکر می‌گردد قرار می‌دهد.

الف - استدلال قیاسی که خواننده از مطالب دانسته به تعمیم یک مطلب می‌پردازد. مفهوم، محصول و نتیجه تعمیم است. قضاوت یا عقیده نیز امکان دارد نتیجه تفکر قیاسی باشد.

بیش‌بینی نیز شکلی از تفکر قیاسی است که در آن انسان مدلی برای توصیف پدیده‌های مخصوص ایجاد می‌نماید.

ب - استدلال استقرائی که خواننده از کل به جزء میرسد. قیاس منطقی یا صغری و کبری مثالی از این نوع تفکر است مانند: همه انسانها تکلم مینمایند، حسن انسان است، بنابراین حسن تکلم مینماید. نتیجه، یا قضاوت یا عقیده ممکن است که محصول این نوع تفکر باشد.

ج - تفکر یا استدلال انتقادی. در این طرز فکر خواننده از ارزشیابی دقیق فرضیات، واقعیات و غیره تفکر را آغاز کرده و سپس با احتیاط از طریق عوامل مربوط، به نتیجه‌گیری می‌پردازد. تفکر یا خواندن انتقادی یک نوع ارتباط بین نویسنده و خواننده را ایجاد مینماید. تعیین رابطه علت و معلول یکی از کارهای مهم این طرز تفکر است. این نوع طرز تفکر در خواندن بسیار حائز اهمیت است زیرا خواننده را به ارزشیابی مطلبی که باعث تعمیم شده، فهم قضاوتی که باعث ایجاد مفهوم گردیده،

درک تعصبات نویسنده، شناخت فنون تبلیغاتی که در متن بکار رفته، دریافت قضاوت عاقلانه و معتبر نویسنده و امیدارد.

د - مشکل گشائی شامل مراحل چهارگانه فوق میباشد. این مرحله راطرزتفکر علمی مینامند. در این نوع طرزتفکر، خواننده به مشکل یا مشکلاتی که باید حل شوند آگاهی دارد. مراحل مشکل گشائی بقرار زیر است:

۱ - محیط انسان شخص را به مشکلات یا تضاد میان ارزشها آگاه میسازد. این موقعیتها فعالیت های فکری را تمییح می نمایند.

۲ جهت یابی نسبت به مشکل بوجود می آید. خواننده امکان دارد در جهات مختلف فکر کند و درعین حال شواهدی برای اقامه دلیل و برهان درثابت کردن مفاهیم اولیه پیدا نموده تا قادر به نتیجه گیری شود.

۳ - يك راه حل موقتی یا يك فرضیه در نتیجه مراحل بالا پدید می آید و خواننده امکان دارد بصیرتی دربارہ یافتن راه حل پیدا کند.

۴ - ارزشیابی با آزمایش کردن فرضیه بوجود می آید. در این مرحله راه حل موقتی یا فرضیه را باید دقیقاً آزمایش کرد. در نتیجه آن فرضیه قبول یا رد می گردد.

۵ - راه حل انتخابی یا فرضیه باید بکاربرده شود که این مرحله را تأیید می نامند.

۵ - تفکر خلاقه - این طرز فکر در سطح عالی و پیچیده تری قرار دارد. قدرت

استنتاج جنبه مهم این تفکر است. سازندگی و برقرار ساختن ارتباط بین عوامل

جنبه دیگری این تفکر می باشد. نشان دادن عکس العمل انتقادی به مباحثات جدی حاصل

این نوع تفکر است.

۶- کاربرد:

خواندن متفکرانه بوسیله کاربرد عملی عقاید و مطالب جدیدی که درحین خواندن

فراگرفته شده است مشخص می شود. کاربرد مطاب خواننده شده برتجارب و مفاهیم

افزوده و خواننده را قادر به درگیر شدن در فعالیت های متفکرانه می سازد.

چنانکه مشاهده شد خواندن همیشه و در همه مراحل با تفکر همراه است و کلمه خواندن هرگز بدون فکر کردن معنی و مفهومی ندارد. بنابراین خواندن مرحله‌ای از تفکر است و تفکر اساس « خواندن بمعنای واقعی » است. خواندن بدون تفکر چیزی جز بصددا در آوردن کلمات یا کلمه خوانی نیست. خواندن واقعی مستلزم فهمیدن و فهمیدن تفکر به‌مراه دارد. لازمه خواندن درک مفهوم و لازمه درک مفهوم متن، ارتباط دادن مطالب بیکدیگر. استنتاج معانی و در نتیجه تفکر می‌باشد. کلیه مراحل خواندن مراحل فکری است و بدون تفکر خلاقه خواندن تبدیل به یک عمل مکانیکی و غیر فعالانه می‌گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

حواشی

- 1 - Klausmeier, Herbert and William Goodwin Learning and Human Abilities. New York: Harper and Row, 1966, P. 257.
- 2 - Pratt, Edward, 'Reading as a Thinking process, IRA proceedings, 11, part 1, (1966), 52-55.
- 3 - Stauffer, Russell, 'Productive Reading-Thinking at the First Grade Level', Reading Teacher, 13, (February, 1960), 183-187.
- 4 - Smith, Nila, 'Reading for Depth', IRA Proceedings, 10, (1965), 117-119.
- 5 - Johnson, Marjorie, 'Factors in Reading Comprehension', Educational Administration and Supervision.
- 6 - Artley, A. 'General and Specific Factors in Reading Comprehension', Journal of Experimental Education, XVI (March, 1948), 181-186.
- 7 - Young, William, 'The Relation of Reading Comprehension and Retention to Hearing Comprehension and Retention', Journal of Experimental Education, V (September, 1936), 30-39.
- 8 - Kirkham, Samuel, English Grammar in Familiar Lectures, accompanied by a compendium, Embracing a New Systematic Order of Passing, 2nd Edition. Harrisburg: Wiestling, 1924, P. 14.
- 9 - Robinson, Helen, 'Perceptual and Conceptual style Related to Reading', In Improvement of Reading Through Classroom Practices (J. Allen Figurel, Ed.). Newark: The International Reading Association, 1946, 26-28.
- 10 - Strang, Ruth, 'The Reading Processes and its Ramification', Invitational Addresses 1965, 44-73.
- 11 - Spache, George, Toward Better Reading. Champaign: Garrard Publishing Company, 1962, p. 67.
- 12 - Cleland, Donald, 'A Construct of comprehension', IRA Proceeding, 10 (1965), 50-61.